

# حمدالله مستوفی

## زندگی و آثار

نصرت‌الله قاسمی

دبیر تاریخ، دهلران

### مقدمه

پس از این که قویلیای قآن، سمت خان مغول را عهده‌دار شد، حکومت هولاکو خان در ایران عراق و شام تأیید شد و خود و نوادگانش به مدت هشتاد سال در ایران فرمان‌روایی کردند. او با بهره‌گیری از اندیشه و تجربیات ایرانیان، تشکیلات حکومتی مستقلی را پایه‌ریزی کرد که بیش از آن که رنگ و بوی مغولی داشته باشد، ایرانی بود.

دوران فرمان‌روایی مغولان و ایلخانان در ایران را می‌توان یکی از شگفت‌انگیزترین و پرتحرک‌ترین ادوار این سرزمین به‌شمار آورد. در این عهد است که فتوحات چنگیزی نتیجه می‌دهد، اما این نتیجه تلخ است. از این‌رو، دوره ایلخانان، عرصه تقابل خستگی‌ناپذیر از جانب حکام مغولی (حکومت) از یک طرف و مردم ایرانی از طرف دیگر است. از یک سو، حکومت به منظور تحکیم هر چه بیشتر مبانی قدرت و قبولاندن آن به اتباع ایرانی می‌کوشید و از سوی دیگر، مردم در جهت کمر راست کردن و تجدید حیات ملی و فرهنگی خویش [بیانی، ۱۳۷۱: ۱۱].

مشاورت خواجه‌نصیرالدین طوسی، شمس‌الدین محمد جوینی و برادرش عطا ملک جوینی که حکم وزارت و مشاورین درجه اول ایلخانان را داشتند، به همراه شبکه‌ای از دیوانیان ایرانی، نقش مهمی در مهار کردن خصلت‌های خشونت‌آمیز و ویرانگرانه مغولان ایفا کرد. عمده تلاش اینان، صرف بازگرداندن آبادانی به کشور و احیای دوباره فرهنگ و تمدن ایران شد. روند هم‌سازی مغولان با ایرانیان، پس از پذیرش اسلام توسط غازان خان و مسلمان شدن بیشتر مغولان ساکن ایران، سریع‌تر شد. دوره حکومت غازان خان از جهات مختلف در تاریخ ایران عصر مغول اهمیت دارد. حمدالله مستوفی، غازان خان را «خلاصه پادشاهان این دودمان و زبده پادشاهان این خاندان» می‌داند. [جعفریان، ۱۳۸۱: ۹۱].

تشریف غازان به دین اسلام نشان می‌داد که اوضاع تغییر کرده است و این خود تکاملی بود که می‌رفت تا صورت گیرد؛ هر چند تغییر دین جدید می‌توانست تا حد زیادی سیاسی باشد. او ضمن تقویت اسلام، به تضعیف سایر ادیان پرداخت. حتی دارای



اسلام آوردن غازان خان در کتاب جامع التواریخ

## کلیدواژه‌ها: حمدالله مستوفی، نزهت القلوب، مغولان

### زندگی‌نامه و شرح احوال حمدالله مستوفی

حمدالله یا حمد ابی بکر بن نصر مستوفی قزوینی، به سال ۶۷۹ هـ. ق/ ۱۲۸۰ به دنیا آمد. وی پسر تاج‌الدین ابوبکر مستوفی و از خاندان مستوفیان قزوین بود که اسلاف و نزدیکان او به تحریر نوشتن و سیاحت موسوم بوده‌اند. خانواده حمدالله، نسب خود را به حر بن یزید ریاحی می‌رساندند. خاندان او در عهد پادشاهان ایران، غالباً به شغل استیفای ولایات منصوب و مشغول بوده‌اند (مستوفی، ۱۳۶۲: مقدمه). از جمله، پدر جد او در عهد سلاجقه، مستوفی دیوان سلاطین عراق و برادرش نایب دیوان وزارت بوده است. ظاهراً این خاندان به همین دلیل به مستوفی مشهور بوده‌اند.

وی از جوانی به شغل آبا و اجدادی پرداخت و هم‌چون برادرش زین‌الدین محمد به ملازمت امرا و وزرای دوره ایلخانی هم‌چون خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۸-۷۱۱ هـ. ق) و پسرش خواجه غیاث‌الدین امیرمحمد رشیدی (متوفای ۷۳۶ هـ. ق) درآمد. از چگونگی و کیفیت زندگی او در کتاب‌های تاریخی عصر او و تذکره‌ها اطلاعات چندانی به‌دست نمی‌آید. تنها حسینی قزوینی (۶۶۰-۷۴۰ هـ. ق) و یا مورخان معاصر او که در دربار ایلخانان بوده‌اند، هم‌چون شبانکاره‌ای، مؤلف کتاب مجمع‌الانساب در سال ۷۳۶ هـ. ق و شهاب‌الدین عبدالله شیرازی، مؤلف کتاب «وصاف» (۷۶۳ هـ. ق) از او نام برده‌اند. از مطالب کتاب نزهت‌القلوب و تاریخ گزیده می‌توان دریافت که حمدالله مستوفی در سنوات گوناگون از سال‌های ۷۰۱ تا ۷۴۰ هـ. ق به کارهای دیوانی و مستوفی‌گری می‌پرداخته است.

از جمله منصب‌های او می‌توان سمت «تقریر اموال بغداد»، «کار تومان قزوین و زنجان و ابهر و طارمین» در عهد وزارت خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۷۱۱ هـ. ق) و نوشتن جامع‌الحساب ممالک برای چند بار را ذکر کرد (مستوفی، ۱۳۶۲: ۴۸).

خود حمدالله به این شغل پدر جدش امین‌الدین نصیر مستوفی عهد سلاجقه اشاره کرده و او را مستوفی دیوان سلاطین عراق نامیده است (مستوفی، ۱۳۷۸: ۶۵).

از جمله منسوبین حمدالله مستوفی عبارت‌اند از: سه برادر به نام‌های زین‌الدین محمد (متصدی مشاغل خطیر و نایب دیوان وزارت)، امین‌الدین نصرالله (متوفای قبل از ۷۳۰ هـ) و فخرالدین فتح‌الله (صاحب غزلیات نیکو) که اهل شعر و شاعری بوده است. و دو پسر عم او: خواجه فخرالدین محمد مستوفی و خواجه سعدالدین مظفر مستوفی (هر دو مقتول به سال‌های ۶۸۸ و ۶۸۵ هـ. ق) از اولاد ناصرالدین ابی بکر مستوفی بوده‌اند. حمدالله مستوفی فرزندی به نام زین‌الدین داشته که در دربار امیر تیمور گورکانی بسر می‌برده و ذیلی بر کتاب تاریخ گزیده پدرش نوشته و وقایع سال‌های ۷۴۲ و ۷۹۴ هـ. ق را اضافه کرده است (مستوفی، ۱۳۷۲: مقدمه).

تاریخ تولد مستوفی را بنا بر اشاره او در مقدمه تاریخ گزیده که به چهل سالگی خود در آغاز سرودن منظومه ظفرنامه (تألیف بین ۷۲۰-۷۳۵) اشاره می‌کند، حدود سال ۶۸۰ هـ. ق و پیش از آن می‌توان دانست.

در هر حال، خود حمدالله مستوفی به شغل استیفا اشاره کرده است. به طوری که می‌گوید: «و من در بغداد به وقت آن که تقریر اموال آن‌جا می‌کردم، نسخه‌ای قانونی دیدم که در عهد ناصر خلیفه نوشته بودند.» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۹).

تمایلات شیعی شد و به زیارت مرقد امام علی (ع) و امام حسین (ع) رفت (اشپولر، ۱۳۷۰: ۱۹۳).

غازان خان با راهنمایی وزیران و مشاوران خود به‌ویژه خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی توانست به یک رشته اقدامات اصلاحی در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، سپاه، علم و فرهنگ دست بزند.

برآیند اوضاع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی دوره ایلخانی این است که برای نخستین بار پس از زوال شاهنشاهی ساسانی، بار دیگر عنوان «ایران» در مقابل سرزمین توران قدیم شکل می‌گیرد. هرچند نام ایران در دوران اسلامی در شاهنامه فردوسی و حتی در برخی آثار جغرافیایی آمده است، فردوسی در روایت تاریخی و اساطیری خود از ایران یاد می‌کند. اما وقتی خواجه رشیدالدین در «جامع‌التواریخ» و یا حمدالله مستوفی در «تاریخ گزیده» و «نزهت‌القلوب» از ایران زمین سخن می‌گویند، اشاره‌اش به همین کشور است که با نام ایران استقلال سیاسی دارد. شبانکاره‌ای در «مجمع‌الانساب» از تعبیر ایران زمین استفاده می‌کند (جعفریان، ۱۳۸۱: ۴-۱۲۳).

بدین ترتیب در عهدی که حمدالله مستوفی حیات فکری دارد، ایران در آستانه تحولی اساسی پس از اسلام قرار می‌گیرد. کنار رفتن خلافت عباسی که از دیرباز به عنوان حکام اسلامی، استقلال سیاسی و مذهبی ایران را دچار استیلا کرده بودند، با روی کار آمدن ایلخانان مغول که خود به‌زودی به نفع مذهب، تمدن و فرهنگ ایرانی تغییر ماهیت دادند، فرصتی برای حیات مجدد ایران زمین قرار داد.

از این منظر و در چنین شرایطی در این مقاله می‌کوشیم یکی از آثار مهم حمدالله مستوفی یعنی نزهت‌القلوب را ارزیابی و نقد و بررسی کنیم.

از متن کتاب نزهت القلوب، غیر از مورد فوق و چند مورد جسته و گریخته دیگر، نمی‌توان اطلاعات ارزشمندی در خصوص زندگی مؤلف به دست آورد. تنها از موضوع مسافرت‌ها و مشاهدات او که حداقل در دو مورد سفر حله و اردبیل به آن اشاره کرده است، [همان، ص ۲۸۳ و ۲۸۵] می‌توان به نکاتی مختصر دست یافت.

حمدالله مستوفی در جوانی به کسب اطلاعات تاریخی علاقه زیادی داشت و بیشتر اوقات فراغت خود را در مباحثه با فضلا و دانشمندان به سر می‌برد که حاصل این تلاش‌ها، نوشتن کتاب «تاریخ گزیده» و دیوان شعر «ظفرنامه» بوده است [بیات، ۱۳۷۰: ۱۵۴].

یکی از دلایل حضور او در این جلسات علمی، همت خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بود که مجالس علمی او سبب انتشار معارف در عهدی می‌شد که به واسطه تهاجم مغولان، در این مسیر مشکلات زیادی حاصل شده بود. حمدالله مستوفی را باید شاگرد مکتب رشیدالدین فضل‌الله دانست. حتی تعدادی از محققان بر این عقیده‌اند که مستوفی به تشویق استاد خود به مطالعات تاریخی پرداخت و شاید در تدوین جامع‌التواریخ به مانند جمال‌الدین ابوالقاسم عبدالله کاشانی حضور داشته است. حمدالله مستوفی استاد خویش را با این عناوین ستوده است: «المخدوم الاعظم السعید الشهید، سلطان وزراء زمانه، آیت‌الله فی علو شأنه، قهرمان الماء والطين، سكان الارضیین، ناصح الملوک و السلاطین، خواجه رشید الحق والدین وارث الانبیاء المرسلین، افضل علماء المتقدمین و المتأخرین، افضل حکماء الاولین... و این بنده به خدمت، تجدید عهد عبودیتی که از زمان صبی الی یومنا با آن دودمان بزرگی و خاندان عظمت و جلال که تا دامن قیامت متصل باد... [مستوفی، ۱۳۶۲: ۵-۴].

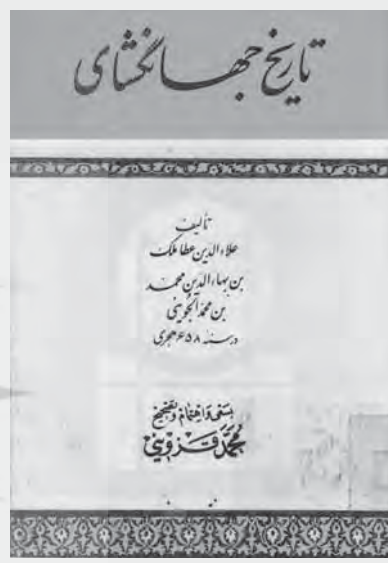
تاریخ فوت حمدالله مستوفی را نیز با توجه به تألیف نزهت القلوب در سال ۷۴۰ هـ.ق و ذیل ظفرنامه که مربوط به وقایع سال‌های ۷۳۹-۷۴۴ هـ.ق است [مستوفی، ۱۳۶۲: ۴۸۴]. می‌توان در این سال‌ها دانست، چراکه پسرش زین‌الدین نیز در ذیل تاریخ گزیده، اشاره‌ای به وفات پدرش تحت عنوان مرحوم پدرم می‌کند [مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۵].

برخی منابع در گذشت او را ۷۵۰ هـ.ق ۱۳۴۹ م. ذکر کرده‌اند. مقبره او در قزوین است. ظاهراً در هیچ‌یک از منابع، اشاره‌ای به مذهب او نشده و در نزهت القلوب نیز اظهار روشن و صریحی در این باره نمی‌توان یافت. برخی بر نوعی گرایش شیعی در او تأکید می‌کنند. از جمله در کتاب نزهت القلوب در بیان فواید آب دجله و فرات (شط‌العرب) در هنگام ذکر نام امام علی (ع) از لقب امیرالمؤمنین علی (ع) استفاده کرده و سپس از امام جعفر صادق (ع)، حدیثی در این خصوص بیان می‌کند [مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۱].

هرچند برخی منابع دیگر وجود دارد که مانع اعتقاد جازم به شیعی بودن او می‌شود. از جمله باز در کتاب نزهت القلوب از امام علی (ع) تحت عنوان امیرالمؤمنین (کرم‌الله و جهه) یاد کرده و کشتگان جنگ صفین سپاه امام علی و معاویه هر دو را شهید لقب داده است [مستوفی، ۱۳۶۳: ۱۰۴].

### آثار و نوشته‌های حمدالله مستوفی

حمدالله مستوفی، سه کتاب را به رشته تحریر در آورده است: تاریخ گزیده، ظفرنامه و نزهت القلوب.



از امتیازات دیگر ظفرنامه، دقت مؤلف

در ضبط وقایع، تلفظ و املائی نام

اشخاص و بلاد است که اطلاعات آن

را از بزرگان مغولی و ایرانی کسب و

ضبط کرده است



## تاریخ گزیده

این کتاب تاریخ عمومی است و به تقلید از مجلد دوم تاریخ عام جامع التواریخ خواجه رشیدالدین و به نام غیاث الدین محمد، فرزند خواجه رشیدالدین، در سال ۷۳۰ هـ.ق به تألیف درآمد. این کتاب به طور مختصر، آفرینش کائنات، ذکر پیامبران، تاریخ پیش از اسلام، تاریخ اسلام و ایران تا زمان حیات مؤلف را دربرمی گیرد. مؤلف از کتاب‌های تاریخی چون: سیر النبی، قصص الانبیاء، رسالت‌قشیریه، تذکره‌الاولیاء، التدوین امام رافعی، تجارب الامم، مشارب التجارب، ایران النسب، تواریخ محمد بن جریر طبری، تاریخ حمزه اصفهانی، تاریخ کامل ابن اثیر، زبده التواریخ جمال الدین ابوالقاسم کاشی، نظام التواریخ قاضی بیضاوی، عیون التواریخ بغدادی، تاریخ جهانگشای جوینی، شاهنامه فردوسی طوسی و جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی نام می برد که در نگارش تاریخ کهن از آن‌ها بهره گرفته است و در آخر متذکر می شود که این کتاب به دلیل گزینش مطالب از کتاب‌های فوق‌الذکر،



دو سکه ضرب شده در زمان غازان خان، تبریز

تاریخ گزیده نام گرفته است [مستوفی، ۱۳۶۲: ۶-۷].

ابواب و فصول کتاب شباهت بسیاری به فهرست مطالب جامع التواریخ دارد. باب آخر کتاب به قزوین یا باب‌الجنه، محل تولد مؤلف اختصاص دارد و شامل اخبار، آثار، چگونگی نام، کیفیت بناها، فتح آن بعد از اسلام، مردم، ذکر قنوات، رودخانه‌ها، مساجد، مقابر و نواحی آن، صحابه، تابعین، ائمه، خلق، مشایخ و علما، پادشاهان، وزرا، امرا و نیز حکام، عمال، قبایل و اکابر شهر است. این باب یکی از مهم‌ترین ابواب تاریخ گزیده محسوب می شود.

تاریخ گزیده به زبان فارسی و در قالب یک مقدمه و شش باب (از بدو خلقت تا زمان وزارت خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی) و به سال ۷۳۰ هـ.ق و به نام خواجه رشیدالدین نوشته شده است [طبری، ۱۳۷۲: ۱۳۰].

نشر این کتاب از جوامع التواریخ روان تر و اهمیت آن در این است که بعضی مطالب آن را در کتاب‌های دیگر نمی توان به دست آورد.

| ردیف | نام کتاب                      | تعداد ارجاعات | ردیف | نام کتاب                           | تعداد ارجاعات |
|------|-------------------------------|---------------|------|------------------------------------|---------------|
| ۱    | قرآن کریم                     | ۳۰            | ۱۶   | تدوین رافعی                        | ۲             |
| ۲    | عجائب المخلوقات، زکریا قزوینی | ۹۶            | ۱۷   | طبقات همدانی، واقدی                | ۲             |
| ۳    | صور الاقالیم، ابوزید بلخی     | ۴۵            | ۱۸   | زبده التواریخ                      | ۲             |
| ۴    | مسالك الممالک استخری          | ۳۳            | ۱۹   | استظهار الاخبار، قاضی احمد دامغانی | ۱             |
| ۵    | تاریخ مغرب                    | ۱۸            | ۲۰   | التبیان احمد بن ابی عبدالله        | ۱             |
| ۶    | معجم البلدان                  | ۱۷            | ۲۱   | خسرو و شیرین                       | ۱             |
| ۷    | رسالة ملکشاهی                 | ۱۱            | ۲۲   | تنسوخ‌نامه ایلخانی                 | ۱             |
| ۸    | فارس‌نامه ابن بلخی            | ۱۰            | ۲۳   | گرشاسف‌نامه                        | ۱             |
| ۹    | جوامع الحکایات                | ۱۰            | ۲۴   | تاریخ شام                          | ۱             |
| ۱۰   | تحفه الغرب ابوالحسن صوفی      | ۷             | ۲۵   | مصنفات رشیدی                       | ۱             |
| ۱۱   | شاه‌نامه فردوسی               | ۵             | ۲۶   | تاریخ قضاعی                        | ۱             |
| ۱۲   | تاریخ کرمان، منشی کرمانی      | ۵             | ۲۷   | تفسیر کلبی                         | ۱             |
| ۱۳   | مصلیح                         | ۳             | ۲۸   | تاریخ بناکتی                       | ۱             |
| ۱۴   | مجمع ارباب الملک              | ۳             | ۲۹   | آثار الباقیة ابوریحان بیرونی       | ۱             |
| ۱۵   | معارف ابن قتیبه               | ۲             | ۳۰   | جمع ارجاعات                        | ۳۱۲           |

از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌گزیده، ذکر حوادث دوران حیات مؤلف است که خود شاهد و ناظر آن‌ها بوده و به تشریح آن‌ها پرداخته است [رنجکش، ۱۳۸۶: ۱۰۹].

### ظفرنامه

شرکت مؤلف در محافل علمی و ادبی خواجه رشیدالدین و پسرش خواجه غیاث‌الدین و تهیه نسخه‌های معتبر از شاهنامه فردوسی و ابراز شایستگی علمی و ادبی از خود در دوره‌ای که مباحث علمی به شدت بالا گرفته بود، وی را واداشت که تاریخ پس از اسلام را به سیاق فردوسی به نظم بکشد و در واقع راه فردوسی را تداوم بخشد [مستوفی، ۱۳۳۷: ۶-۵].

حمدالله مستوفی در آغاز کتاب تاریخ‌گزیده، به نگارش آن اشاره می‌کند که ۵۰ هزار بیت آن هم‌زمان با تألیف تاریخ‌گزیده سروده شده و در خاتمه به ۷۵ هزار بیت خواهد رسید. این کتاب در سه قسمت با عناوین اسلامی و «حکامی» و «سلطانی» تنظیم شد. مطالب آن از حوادث حیات پیامبر خاتم محمد (ص) شروع و به زمان حیات مؤلف ختم می‌شود. از باب سوم تا باب پنجم اخبار و مطالب آن شبیه تاریخ‌گزیده است، لیکن ابواب پیامبران و افراد پیش از اسلام، پادشاهان و تاریخ ایران قبل از اسلام، ذکر ائمه، سنت قراء، مشایخ و علمای دین را دربر دارد.

در باب پنجم و احوال شهر قزوین، انساب انبیا که در تاریخ‌گزیده آمده است، در ظفرنامه موجود نیست. تفاوت دیگر این دو کتاب، ذکر اخبار دوره مغول و تشریح وقایع سال‌های ۷۳۰، یعنی سال پایان تألیف تاریخ‌گزیده تا سال ۷۳۴ هـ. ق. زمان اتمام ظفرنامه است که به‌طور اخص، به تشریح صدارت خواجه غیاث‌الدین محمد در سال ۷۲۸ هـ. ق. پرداخته است. هم‌چنین، این کتاب توصیف بسیار روشنی از واقعه قتل عام



شهر قزوین در حمله مغول ارائه می‌دهد که مؤلف این اطلاعات را بیشتر از پدر جد خود، امین نصر مستوفی که ناظر این حادثه بوده، گرفته است [براون، ۲۵۳۷: ۵-۵۲۴].

از امتیازات دیگر ظفرنامه، دقت مؤلف در ضبط وقایع، تلفظ و املائی نام اشخاص و بلاد است که اطلاعات آن را از بزرگان مغولی و ایرانی کسب و ضبط کرده است. گذشته از ارزش ادبی و حماسی ظفرنامه، مستوفی در خصوص به نظم کشیدن آن چنین اظهار نظر می‌کند که بیان وقایع تاریخی در شرح و بسط، به زبان و نثر، و بیان حقایق به لحاظ عمق معنی، به زبان نظم و صنایع شاعری نیازمند است. این روش شناسی مستوفی در ثبت وقایع تاریخی، نشانه آگاهی وی از مشکلات تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری است و به همین دلیل، به ناچار از منابعی واحد، دو کتاب شبیه به هم را با دو سبک نظم و نثر ارائه داده است.

کار تألیف و سرودن ظفرنامه در سال ۷۳۵ هـ. ق به پایان رسید. دقت کامل مستوفی در بیان وقایع و حوادث تاریخی و به‌ویژه مجلد سوم آن که مربوط به تاریخ دوره مغول است، بسیار گران بها ارزش‌یابی شده، چراکه بسیاری از وقایع تاریخی را بدون تعصب و پیش‌داوری مطرح کرده است [الویری، ۱۳۸۱: ۳۳].

آثار دیگری را نیز به مستوفی منتسب می‌کنند از جمله مفاخر التواریخ یا مواهر التواریخ در ۲۵ باب که به سال ۷۲۴ هـ. ق تألیف شده و در آن به اضافاتی در تاریخ گزیده اشاره شده است. از کتاب مزبور فعلاً اثری در دست نیست. دیگر، ترجمه کتاب «نهایه‌الادب فی الاخبار الفرس و العرب» تحت عنوان «تجارب الهمم فی اخبار الملوک العرب و العجم» متنی مربوط به قرن اول هجری که پس از مرادعلی به دستور نصرت‌الدین احمدلر (۷۲۳ هـ. ق)، توسط حمدالله مستوفی از عربی به فارسی ترجمه شده است [همان، ص ۳۶ و ۳۵]. بنابر

آن چه آمد و با شناختی که از مستوفی در تألیفات فوق‌الذکر به دست می‌آید، می‌توان تا حدودی به سبک و سیاق و توانایی حمدالله مستوفی در نوشتن کتاب مورد بحث این مقال، یعنی نزهت‌القلوب، پی برد.

### نزهت‌القلوب

این کتاب که در زمینه جغرافیاست، شامل مباحث مفصلی در باب مسائل جغرافیاست که خود مقاله‌ای مستقل را طلب می‌کند.

### پی‌نوشت

1. B. Born
2. C. Schefer
3. jornal of the Royal Asiatic society
4. G. Lestrangle

### منابع

۱. بیانی، شیرین. دین و دولت در ایران عهد مغول (ج ۲). مرکز نشر دانشگاهی. تهران. ج اول. ۱۳۷۱.
۲. جعفریان، رسول. از یورش مغولان تا زوال ترکمانان (ج ۳). کانون اندیشه جوانان. چ دوم. تهران. سال ۱۳۸۱.
۳. اشپولر، برتولد. تاریخ مغول در ایران. ترجمه محمود میرآفتاب. انتشارات علمی فرهنگی. چ دوم. تهران. ۱۳۷۰.
۴. مستوفی، حمدالله. تاریخ گزیده. تصحیح عبدالحسین نوایی. چ دوم. تهران. ۱۳۶۲.
۵. نزهت‌القلوب. تصحیح گای لسترنج. دنیای کتاب. چ اول. قزوین. ۱۳۷۸.
۶. نزهت‌القلوب. تصحیح محمد دبیرسیاقی. انتشارات طه. چ دوم. قزوین. ۱۳۷۸.
۷. مستوفی، زین‌الدین بن‌حمد. ذیل تاریخ گزیده. به کوشش ایرج افشار. بنیاد موقوفات دکتر افشار. تهران. ۱۳۷۲.
۸. بیات، عزیزالله. شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران. امیرکبیر. چ دوم. تهران. ۱۳۷۰.
۹. استوری، ادبیات فارسی بر مبنای تألیف. ترجمه یوا. برگل. موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. تهران. ۱۳۶۲.
۱۰. طبری، محمدعلی (عمادالدین آذرمان) زنده‌الآثار. انتشارات امیرکبیر. چ اول. تهران. ۱۳۷۲.
۱۱. زنجکش، مریم. مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. دوره جدید. شماره ۱۰۹. خرداد ۱۳۸۶.
۱۲. مستوفی، حمدالله. ظفرنامه. مرکز نشر دانشگاهی و آکادمی علوم اتریش. چ اول. تهران. ۱۳۳۷.
۱۳. براون، ادوارد. از جامی تا سعدی. ترجمه علی‌اصغر

- حکمت. امیرکبیر. تهران. ۲۵۳۷.
۱۴. تجارب‌الامم فی اخبارالملوک‌العرب و العجم. تصحیح رضا انزلی‌نژاد و رجیبی کلانتری. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد. ۱۳۷۳.
۱۵. الویری، مرتضی. گزارش درباره منابع نزهت‌القلوب. مجله آئینه میراث. شماره ۱۶. سال چهارم. بهار ۱۳۸۱.
۱۶. نوروززاده چگینی، بهروز. بررسی و شناختی از حمدالله مستوفی و کتاب نزهت‌القلوب. مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. آذر ۱۳۸۰. شماره ۵۰.
۱۷. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص رک به: تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان. پژوهش دانشگاه کمبریج. ج ۵. گردآورنده: جی. آ. بویل، ترجمه حسن انوشه. تهران. امیرکبیر. چ دوم. ۱۳۷۱.
۱۸. روزنامه ایران. شماره ۳۶۵۲. ۸۶/۳/۱۰. کنگره بزرگداشت حمدالله مستوفی. به نقل از پروفیسور محمد گنجی.

